خراسان رضوی

صفحه آخر

یکشنبه
اول اسفند ۱۳۹۵
۲۱ جمادی الاول ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۵۰۸

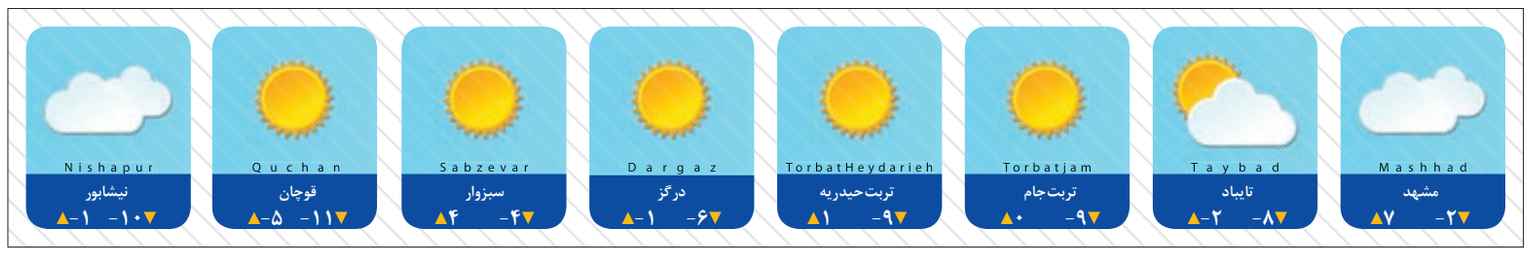

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۳۴۰۰۰

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

پیامبر اکرم (ص)

هر خانه‌ای که میهمان بر آن وارد نشود، فرشتگان وارد شن نمی شوند.
جامع الأخبار (شعیری) ص ۱۳۶

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی
دی آمدم و نیامد از من کاری
امروز ز من گرم نشد بازاری
فردا بروم بی خبر از اسراری
نا آمده به بود از این سرباری
الهی
همه از تو ترسند و عبدا... از خود
زیرا که از تو همه نیکی آید و از عبدا... همه بد

کارتون

مانی غریب

اتصال خطوط یک و دو قطار شهری تا خرداد ماه آتی

خراسان به روایت خراسان

اول اسفند ۱۳۳۹

نامزدی در کلانتری!

۵۶سال پیش در چنین روزی، «خراسان» نوشت: **مشهد؛ خبرنگار خراسان**- دو ماه پیش، دوشیزه نصرت که شغل پرستاری دارد با منصور، کارمند یکی از ادارات نامزد می‌شود. ولی بعد از مدتی، سردی و بی‌اعتنایی نامزد را مشاهده می‌کند و به همین جهت، دست به خودکشی می‌زند و با قرص لومینال خود را مسموم می‌کند. بلافاصله او را به بیمارستان می‌برند و پس از آن که کمی بهبودی حاصل می‌کند، اظهار می‌دارد که من علاقه‌مند به منصور بودم و چون بی‌اعتنایی او را نسبت به خود دیدم، دست به خودکشی زدم. در پی این اقرار، منصور را به کلانتری یک احضار می‌کنند و در حضور نامزدش مورد باز جویی قرار می‌دهند و پس از مدتی مراسم آشتی در کلانتری برگزار می‌شود و عروس و داماد، برای بار دوم، رسماً نامزد می‌شوند. پرونده این جریان به دادسرا فرستاده شده است.

قرار است در گلمکان کتابخانه تأسیس شود

گلمکان؛ خبرنگار خراسان- طبق دعوتی که از طرف مربی تعلیمات اساسی گلمکان به عمل آمده بود، عده‌ای از اهالی مجلسی تشکیل دادند. در این مجلس پیرامون لزوم تأسیس کتابخانه در گلمکان و مزایای کتاب، بیاناتی ایراد شد و فی المجلس، مبلغ ۲ هزار ریال و ۲۵ جلد کتاب برای تأسیس کتابخانه، از طرف اشخاص حاضر اهدا گردید. ضمناً آقایان محمدمهدی مجدی به سمت متصدی کتابخانه و اسدی و شهیدی به عنوان رئیس صندوق و مدیر، انتخاب گردیدند و کتابخانه به نام شاعر شهیر خراسان، «اسدی طوسی» نامیده شد.

خیابان‌های گناباد را آسفالت کنید

گناباد؛ خبرنگار خراسان- با این که قرار است در مورد آسفالت خیابان‌های جویمند، مرکز شهرستان گناباد، از طریق جرایم و غیره، یادآوری و تأکید گردیده است و اعتبار آن هم مدتی است حواله شده، متأسفانه خیابان‌های این شهر همچنان به وضع رقت‌بار سابق باقی است و عابران، کما فی السابق، گرد و غبار نوش جان می‌کنند! دیروز بر اثر افتادن یک اتومبیل داخل چاله خیابان، راننده آسیب دید و اتومبیل هم خراب شد. ما توجه مسئولین امر را به این امر مهم که در وضع بهداشت عمومی، فوق‌العاده مؤثر می‌باشد، جلب می‌کنیم و اهالی گناباد با بی‌صبری انتظار دارند هر چه زودتر مقامات مسئول اقدامات سریع و مؤثری معمول دارند.

اختلافات محلی چه وقت حل می‌شود؟

گلمکان؛ خبرنگار خراسان- روز جمعه اول ماه رمضان، عده‌ای از اهالی گلمکان برای اتمام ساختمان راه نیمه‌تمام گلمکان اقدام نمودند و کار تا حدی پیشرفت کرد ولی به علت وجود اختلافات محلی کار تعطیل شد. جاده گلمکان از دو سال پیش قرار است ساخته شود ولی اختلافات محلی همیشه مانع کار بوده و معلوم نیست این اختلافات چه وقت حل خواهد شد؟

نمای تاریخی

عکسی از تونل سبز مشهد - بولوار ملک آباد - دهه ۶۰

یک نمای قدیمی از بارش برفی سنگین در بهمن ماه ۵۷ در مشهد

تصویری قدیمی از رونق بازار پاروفروشی در سال ۵۸ به واسطه بارش برف شدید

سرزمین من

صالحی

گفت‌وگو با «سعید بیابانکی» شاعر و طنزپرداز

چهار برگ برایم کنار بگذارید...

اهل خطه شور و شاعری هاتف، طبیب، مشتاق، سروش و آتش اصفهانیَ است، با خاندان یغمای جندقی، شاعر قرن ۱۳ و حبیب یغمایی، شاعر و پژوهشگر معاصر نسبت دار دور گه‌هایی از ذوق طنزپردازی مردمان نصف جهان را به ارث برده است. «سعید بیابانکی» شعر کلاسیک و نو را در قالب ساختاری جدید و متناسب با ذائقه مخاطبانش می‌سراید. «ردپایی بر برف»، «نیمی از خورشید»، «نه ترنجی؛ نه اناری»، «جامه دران»، «چقدر پنجره» و... نمونه‌هایی از مجموعه‌های مستقل ادبی او هستند. وی برای کتاب «سنگچین»، برنده جایزه کتاب فصل شد و برگزیده سومین جشنواره شعر فجر و عضو شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز است. به بهانه حضور وی در مشهد، در حاشیه جشن امضای شاعرانه‌های اخیر این ادیب اصفهانی با وی گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید:

بیابانکی و حکایت قریحه‌ای خدادادی

والدینش مردمانی ساده‌زیست بودند و از میان پنج فرزند خانواده بیابانکی، ذوق شاعرانگی تنها نصیب او شد. پدر خانواده معمار سنتی ساختمان بود و به گفته این هنرمند، هنوز هم بسیاری از ساختمان‌هایی که او بنا کرده، در شهر محل زندگی‌اش پابرجا هستند. علاقه او به شعر و شاعری بازمی‌گردد به دوران هنرستان، آن زمان که سعید نوجوان در رشته برق تحصیل می‌کرد و برای به خاطر سپردن برخی فرمول‌ها به آن‌ها ریتم می‌داد غافل از آن که، این خاصیت را وزن‌یابی کلمات می‌خوانند. بیابانکی سرگذشت شاعری‌اش را این گونه بیان می‌کند: سال سوم هنرستان، برای شرکت در مسابقه‌ای در کتابخانه شهر، چند خط شعر سرهم کردم و فرستادم که به عنوان شعر برگزیده انتخاب شد و از بابت آن، بسیار مورد تشویق قرار گرفتم. چند روز بعد، اصغر حاج حیدری (متخلص به خاسته) که یکی از فعالان هنری و شاعران انقلابی هم‌محله‌ای ما بود، طی تماسی این موفقیت را به من تبریک گفت، حتی آن‌قدر به وجد آمده بود که شب به در منزل‌مان مراجعه و به مادرم توصیه کرد مرا به انجمن شعر شهر ببرد تا از بابت این استعدادم، تحت آموزش استادان قرار بگیرم. مادرم که تا آن زمان از ذوقم بی‌خبر بود، قضیه را از من جویا شد و برایش توضیح دادم که گاه و بیگاه چند خطی شعر می‌گویم، مادرم با پیشنهاد استاد حیدری موافقت کرد و این آغاز فعالیت ادبی‌ام شد. وی درباره ورود جدی‌تر خود به این عرصه نیز توضیح می‌دهد: سال ۱۳۶۷ در رشته کامپیوتر دانشگاه اصفهان پذیرفته شدم. در آن ایام، با شماری از دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه، یک جمع ۱۵ نفره دوستانه اهل کتاب و کتابخوانی را سر و سامان دادیم. جهاد دانشگاهی هم به ما میدان می‌داد و اجرای برنامه‌های بزرگ فرهنگی دانشگاه را به انجمن ما محول می‌کرد. در آن بستر بود که شعر برایم جدی‌تر شد.

استاد نبینی به جایی نمی‌رسی

درباره سرمشق‌های نخستین این مسیر ادبی از وی می‌پرسم که می‌گوید: تا استاد نبینی، به جایی نمی‌رسی. انتقال سینه به سینه تجربیات و تلمذ کردن در محضر استادان پیشکسوت، پیش‌نیاز این عرصه است. مرحوم حاج حیدری، رئیس انجمن سروش خمینی‌شهر، مرحوم خلیل بلدی (متخلص به باغبان)، فتحا... حدادیان (متخلص به صبور) و محمد مستقیمی (متخلص به راحی)، در شمار اولین استادانی هستند که در هسته انجمن ادبی خمینی‌شهر اصفهان محضرشان را درک کردم. در دوران تحصیلات آکادمیک هم خسرو احتشامی، شاعر و پژوهشگر، استاد من بود. او در ادامه به برخی دیگر از ادبای هم‌عصرش اشاره می‌کند که به صورت غیرمستقیم از آثار و قلم‌شان آموخته؛ استادانی همچون سیدعلی موسوی گرمارودی، قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی و محمدرضا شفیعی کدکنی از این جمله‌اند. سرانجام «سکته ملیح»، ضمن بیان این که در گذشته، تنها کتاب، روزنامه‌ها و برخی کنگره‌ها و همایش‌های بزرگ مجرای بروز و ظهور چهره‌های تازه در عالم ادب و هنر بود، اضافه می‌کند: اولین توفیقم به لحاظ حرفه‌ای در کنگره شعر دانشجویی کشور در سال ۶۸ بود. با این حال، نخستین کار جدی‌ام، به سال ۱۳۶۹ و چاپ مجموعه «ردپایی بر برف» از سوی حوزه هنری برمی‌گردد. او سال ۷۶ برای نگارش و انتشار کتاب دومش با عنوان «نیمی از خورشید» اقدام می‌کند و از این زمان است که به عنوان یک چهره ادبی شناخته و آثارش به بوته نقد گذاشته می‌شود.

شاعران امروز خوب ولی بدون شاهکار ادبی‌اند

این کارشناس ادبی، در برهه‌های مختلف تاریخی، درونمایه‌های متنوعی را در آثارش تجربه کرده و به مقتضای همزمانی و رودش به دنیای شاعری با دوران جنگ تحمیلی، با مضامین حماسی و دفاع مقدس شروع کرده، سپس مضامین آیینی، عاشقانه، طنز، انتقادی و اعتراضی را سرلوحه کار خود قرار داده است. به باور وی، شعر و اکنش اجتماع به شاعر است تا مطالبی را بر زبان جاری کند که آحاد جامعه طالب آن هستند و از این منظر جامعه در ادوار مختلف، شکل‌ها و مضامین مختلفی را به شاعر سفارش می‌دهد. در همین رابطه، سبک ادبی مورد پسند مردمان امروز را از این شاعر اصفهانی جویا می‌شوم که در جواب می‌گوید: مخاطبانم، بیشتر به طنز تمایل دارند، دلیل آن هم، رواج استفاده از فضاهای مجازی است که در آن به شعر، نگاه سطحی و همه فهم دارد و مردم هم به مضامین کوتاه گرایش دارند تا بتوانند زود به آن واکنش نشان دهند. این عضو شورای سیاست‌گذاری جشنواره شعر فجر اندکی هم پیرامون احوال شعر و ادبیات پس از انقلاب سخن می‌گوید: شعر بعد از انقلاب به لحاظ کمی و کیفی رشد داشته است. در سال ۵۷، شعر تنها رسانه انقلاب بود و صدای مردم. اما شعر امروز جهش پیدا کرده و عمومی‌تر شده است.

وی یادآور می‌شود: شعر در ابتدا بیشتر در مجامع روشنفکری مطرح می‌شد و به تدریج توده‌های مردم با آن ارتباط گرفتند. شاعران پس از انقلاب به هر طریقی اعم از موسیقی، شفاهی، کتاب و نیز فضاهای مجازی خود را نشان دادند. ولی از طرفی، همه در این فضای جدید حضور یافتند و کار خوب و بد درهم آمیخته است. متاسفانه در این دوران، شاهد ابتذال و میان‌مایگی ادبی نیز هستیم و کمتر شعر متفاوت می‌بینیم. در حالی که فرخزاد و ابتهاج در بازه سنی ۲۰ تا ۳۰ سالگی شاهکارهای‌شان را سروده‌اند اما امروز در کارهای شاعران جوان، شاهکاری مشاهده نمی‌شود. گهگاه صدایی بلند می‌شود ولی در هیاهوی موجود گم می‌شود.

تلاش کردم شاعر زمانه خود باشم

بیابانکی می‌افزاید: ما در دوران پسانیمایی زیست می‌کنیم. او گفتمان و نگاه تازه‌ای ایجاد کرد و بسیاری بعد از او، راهش را دنبال کردند، برخی همچنان از مقلدان شاعران پیشین هستند و من همواره تلاش کردم تا شاعر زمانه خودم باشم. استاد بیابانکی، به همه قالب‌های شعری علاقه دارد، با وجود این، «چهارپاره» به دلیل پرداخت کم بدان، بیشتر مورد توجه اوست؛ چرا که ذهن مخاطب غزل‌زده است. وی در تعبیری، شعر را درونیات شاعر می‌داند که در ذات هنرمند جای گرفته و به دنبال آن، جهان شعر خودش را این گونه توصیف می‌کند: شاعر رسالتی بر عهده دارد که باید به انجام برساند؛ از این رو، هیچ‌گاه در پی تیراژ و جذب مخاطب و یا حتی محافظه‌کاری در بیانم نبودم. هرگز خودم را سانسور نکردم و از طرفی در بیانم رمانتیک نبودم، بدین معنا که شعری باب دندان نوباوگان جوان بسرایم و مورد پسند واقع شوم. شاعر چونان یک پرنده، آواز خوشی دارد، گروهی این نغمه را دوست دارند و عده‌ای هم ندارند. شعر را شاعر برای مخاطب می‌گوید و او هر برداشتی داشته باشد، قابل احترام است.

ترجیحم تماشای فیلم در سینماست

سعید بیابانکی، در سال ۱۳۷۶ ازدواج می‌کند و اکنون صاحب دو دختر دست به قلم است که ذوقی می‌نویسند اما هیچ کدام اهل شعر و شاعری نیستند. وی دیگر زمینه‌های هنری مورد علاقه‌اش را این چنین برمی‌شمارد: به موسیقی علاقه‌مندم و گاهی با ته‌صدایی که دارم، برای دل خودم می‌خوانم. شنیدن موسیقی سنتی و کارهای خوب پاپ را هم دوست دارم؛ به خصوص آوازها و تصنیف‌های استاد شجریان. در اوقات فراغتم، ادبیات داستانی ایران و جهان را مطالعه می‌کنم. به جز شاعری، داستانک‌های طنز هم می‌نویسم. به سینما هم تمایل دارم و عمدتا آثار برجسته تاریخ سینما را می‌بینم. سینمای امروز ایران را هم کم و بیش دنبال می‌کنم و ترجیحم تماشای فیلم در سینماست. اصغر فرهادی، همشهری و از دوستان دوران جوانی من است و با او از زمانی که شعر سپید می‌گفت و در انجمن خمینی‌شهر آمد و شد داشت، آشنایی دارم. کارهای فرهادی را از روزهای نخستین فیلمسازی‌اش دیده‌ام ولی چند وقتی است با او ارتباط ندارم. استاد بیابانکی در اجرای برنامه برای رسانه ملی هم دستی بر آتش دارد و با اجرا در رادیو فرهنگ از ۱۰ سال پیش تاکنون و همچنین اجرای برنامه زنده تلویزیونی شبستان در این حوزه حضوری فعال داشته است. وی پس از عزیمت به تهران در حوزه هنری در مقام کارشناس ادبی مشغول به کار می‌شود.

چهار برگ کنار گذاشته‌ام...

او با بیان این که اوج خاطرات و تعابیر طنزآمیزش را در کتاب «لبخندهای مستند» آورده، تعریف می‌کند: متولد چهارم مهرماه هستم و به این بهانه بیتی سروده‌ام: «همیشه اول پاییز یادتان باشد / چهار برگ برایم کنار بگذارید...» روزی از کنار دکان بریانی‌پزی در شهرمان عبور می‌کردم. مغازه‌دار برایم دست تکان داد و بلند گفت، چهار برگ برایتان کنار گذاشته‌ام. اولش متوجه حرفش نشدم ولی بعد که وارد مغازه شدم، شعرم را روی دیوار دیدم و شادمان شدم و این یکی از ماندگارترین خاطراتم در مواجهه با مخاطبان مهربانم است.

یادداشت

رهبر مژده ای آذر

رئیس انجمن داروسازان ایران

عدم پرداخت مطالبات بیمه‌ای و قرار گرفتن داروخانه‌ها در مرز ورشکستگی

سیستم‌های رفاهی در هر کشوری، تامین کننده درصدی از خدمات درمانی برای آحاد جامعه خود هستند و هر میزان که سهم مردم از پرداخت برای خدمات درمانی کاهش پیدا کند، به همان نسبت شاخص‌های رفاهی بهبود می‌یابد اما تعریف چنین چارچوبی، به تامین مالی مناسب از سوی دولت و بیمه‌ها منوط است تا سیستم درمانی که در این مسیر خدمات ارائه می‌کند، به چالش دچار نشود.

متاسفانه در راستای بهبود خدمات درمانی در کشورمان، تا به امروز مراکز درمانی و داروخانه‌ها به واسطه برنگشتن منابع مالی از طرف بیمه‌ها با مشکلات و چالش‌های جدی روبه‌رو شده‌اند.

تداوم این روند وضعیت را به مرحله‌ای رسانده که عملا بسیاری از داروخانه‌ها در کشور به مرز ورشکستگی رسیده و حتی از آن عبور کرده‌اند و اگر کرکره آن‌ها پایین کشیده نمی‌شود، به واسطه اتکایی است که به درآمد فروش اقلام جانبی از جمله لوازم آرایشی دارند.

تاخیر در پرداخت مطالبات داروخانه‌ها از سوی سازمان‌های بیمه‌گر در این سال‌ها به امری عادی بدل شده است اما در چند ماه اخیر، این مسئله حادتر شده و آن‌طور که شواهد نشان می‌دهد، به این زودی‌ها نیز خبری از تسویه حساب نخواهد بود. بدعهدی بیمه‌ها تامین مالی را برای جایگزینی کالا در داروخانه‌ها با مشکل مواجه کرده است و داروخانه‌داران را ناگزیر ساخته است تا به فکر تامین درآمدهای جانبی باشند. قاعدتا این مشکل تنها گریبانگیر داروخانه‌ها نیست و مراکز درمانی و بیمارستان‌ها نیز با همین چالش روبه رو هستند و قاعدتا ادامه این روند، باعث خواهد شد چتر حمایتی که ذیل عنوان بیمه برای مردم پیش‌بینی شده، اندک‌اندک برچیده شود. آن‌طور که مطلع شدم اکنون در سه دانشگاه علوم پزشکی کشور خدمات به بیماران به دلیل همین معوقات بیمه‌ای به صورت کاملاً نقدی ارائه می‌شود و پرداخت هزینه بر دوش بیماران سنگینی می‌کند. تلخ است که در چنین شرایطی شاهدیم که اقشار کم‌درآمد از تامین دارو و خدمات درمانی برای خود و خانواده‌شان چشم می‌پوشند چون توان تامین هزینه‌های درمانی را ندارند و اگر برای آن چاره‌ای اندیشیده نشود، حتما بحرانی را رقم می‌زند.

اما به منظور رفع این مشکل تاکنون نامه‌نگاری‌های متعددی خطاب به رئیس جمهور، وزیر رفاه و... انجام شده و در آن‌ها بحرانی بودن شرایط را برای داروخانه‌ها متذکر شده‌ایم.

به وزیر رفاه یادآور شدیم که با وجود تمام مشکلات اقتصادی ناشی از کاهش فروش و سود داروخانه‌های خصوصی و همین طور تاخیر سازمان‌های بیمه‌گر در پرداخت مطالبات داروخانه‌ها، تاکنون خللی در خدمت‌رسانی به بیمه‌شدگان و مردم ایجاد نشده است، اما داروسازان کشور دیگر سرمایه‌ای ندارند که آن را برای ادامه طرح تحول نظام سلامت، بی‌بهره به دولت وام بدهند.

در این نامه‌نگاری‌ها همچنین اعلام شد که اگر در بازه زمانی مشخصی روند تسویه کلید نخورد، نظر به مشکلات حاد مالی داروخانه‌ها، این مراکز نسخ دفترچه‌های بیمه درمانی را آزاد محاسبه و بیماران را برای دریافت وجه، به دفاتر اسناد پزشکی سازمان‌های بیمه هدایت خواهند کرد. در این سال‌ها، داروخانه‌داران تلاش و همراهی زیادی با طرح تحول نظام سلامت داشته‌اند اما کوتاهی سازمان‌های بیمه‌گر در عمل به تعهداتشان؛ این بخش را به بن‌بست کشانده است.

دو سازمان بزرگ بیمه‌گر، بیشترین پوشش بیمه‌ای را ارائه کرده و توامان بیشترین بدهی و کوتاهی را داشته‌اند. قاعدتا داروخانه‌ها نیز در تنگنای درآمدی خود ناگزیر از عقد قرارداد با این مراکز هستند.

اما در چنین شرایطی که تامین مالی با عمل سازمان‌های بیمه‌گر به تعهداتشان ممکن نمی‌شود، داروخانه‌داران ناگزیر شده‌اند بر فروش اقلام جانبی و آرایشی و بهداشتی متمرکز شوند تا چراغ واحدهای صنفی‌شان خاموش نشود. حال آن که وظیفه و رسالت آن‌ها، همراهی در مسیر درمان بیماران است.

امیدواریم مسئولان و متولیان امر، قدری جدی‌تر به مشکلات موجود در بخش‌های مختلف درمانی به ویژه داروخانه‌ها نگاه کنند و در پی چاره‌جویی برآیند پیش از آن که دیر شود.

مشهد #Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

عکسی از کمک زائران نوجوان در برف‌روبی حرم مطهر امام رضا(ع)

تصویری از پدیده مزرعه یخ در کلیدر نیشابور

صفحه حسام نواب صفوی بازیگر سینما هم با یک ویدئو از حضور او در یک شب برفی در جوار حرم رضوی به روز شد.

علی مسعودی در کنار ماکتی از خود و ژیان پدرش